

ژوئیه ششم حقوق کیفری

سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

صفحات ۱۵۳-۱۲۹

تفہیم حقوق متہمان از سوی ضابطان دادگستری: با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

دکتر حسن قاسمی مقدم ✉

استادیار گروه حقوق دانشگاه یزد

چکیده:

تحقق دادرسی عادلانه مستلزم تفہیم حقوق متہمان از سوی ضابطان دادگستری است به گونه‌ای کہ با رعایت تساوی سلاح‌ها میان مقامات رسمی و متہمان به لحاظ اطلاعات حقوقی و قضایی، حقوق متہمان به آنان تفہیم شود و از این طریق زمینه به کارگیری حقوق دفاعی برای آنان فراهم گردد. قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در مقایسه با قانون سال ۱۳۷۸، در این زمینه پیشرفت‌های جدیدی کرده است. مواد ۶ و ۵۲، از قانون جدید بر تکلیف ضابطان دادگستری در تفہیم حقوقی مانند حق بر داشتن وکیل مدافع به متہمان تأکید می‌نمایند. با وجود این، مقررات مربوط به تفہیم حقوق متہمان در این قانون برای تحقق دادرسی عادلانه کافی نیستند. زیرا تفہیم برخی حقوق مهم مانند تفہیم حق سکوت به متہم را در بر نمی‌گیرند، سازوکارهای دقیقی برای نظارت بر تفہیم حقوق پیش‌بینی نمی‌نمایند و ضمانت اجرای دقیق و مناسبی در مورد تخلفات و جرایم احتمالی ضابطان دادگستری طراحی نمی‌کنند. این مقاله دربردارنده پیشنہاداتی اصلاحی برای بہبود وضعیت تفہیم حقوق متہمان از سوی ضابطان دادگستری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایران در راستای رسیدن به دادرسی عادلانه است.

کلید واژه‌ها: متہم، ضابطان دادگستری، تفہیم حقوق، خود متہم سازی، بی‌اعتباری دلیل.

۱۳۹۳/۲/۱۱

تاریخ دریافت:

۱۳۹۴/۶/۲۳

تاریخ پذیرش نہایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

ghasemi@yazd.ac.ir

حق بر تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری را می‌توان زیرمجموعه حق کلی-تری تحت عنوان حق بر اطلاعات دانست. حق بر اطلاعات به معنای حق دسترسی شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات حکومتی، یکی از مصادیق مهم حقوق بشر است که در عرصه بین‌الملل مورد توجه جدی قرار گرفته است. (ساریخانیو اکرمی سراب ۱۳۹۱: ۳۷).

اکثر اسناد اصلی حقوق بشر در سطح بین‌المللی، حق جستجو و دستیابی و انتشار اطلاعات را به عنوان بخش تفکیک‌ناپذیر آزادی بیان به رسمیت شناخته‌اند. به عنوان نمونه در ماده ۱۹ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ میلادی آمده است که: «هر کس حق آزادی بیان دارد این حق شامل آزادی جستجو و دستیابی و انتشار اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به محدودیت‌ها، خواه شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگر به انتخاب شخص می‌باشد». در واقع حق دسترسی به اطلاعات از لوازم ذاتی آزادی بیان است. چرا که بدون اطلاعات کامل و معتبر، چیزی برای بیان باقی نمی‌ماند. با استناد به همین ارتباط است که عده‌ای، حق دسترسی به اطلاعات را به تبع حق آزادی بیان، از جمله حقوق بنیادین بشر می‌شمارند (رضایی‌زاده و احمدی، ۱۳۸۸: ۲۱۸).

در کشور ما نیز حق بر اطلاعات در سال ۱۳۸۸ با تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸/۱۱/۴ به صورت عام و فراگیر وارد نظام حقوق داخلی شده است. به موجب ماده ۵ این قانون: «مؤسسات عمومی مکلفاند اطلاعات موضوع این قانون را در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم قرار دهند». طبق بند دال ماده ۱ همین قانون، مؤسسات عمومی شامل مراجع قضایی و انتظامی نیز می‌باشد. و براساس بند ج همین ماده، اطلاعات عمومی، در بردارنده اطلاعات غیرشخصی نظیر ضوابط و آیین‌نامه-هاست و بدین ترتیب شامل حقوق قانونی متهمان در مراجع قضایی و انتظامی می‌شود. و براساس تبصره ماده ۵ قانون مارالذکر، «اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است، باید علاوه بر موارد قانونی موجود، از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد».

درباره متهمان، رعایت کامل حق آزادی بیان در جهت فراهم نمودن تسهیلات کافی برای تهیه دفاع (به موجب بند ب ماده ۱۴ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶) مستلزم رعایت حق دسترسی به اطلاعات و حق مطلع شدن ایشان از اطلاعات حقوقی و قضایی در فرایند کیفری است. این حق، دارای جلوه‌ای عام با عنوان حق بر تفهیم حقوق، و جلوه‌هایی خاص نظیر حق بر تفهیم اتهام و ادله آن، و حق مشورت و ملاقات با وکیل

مدافع است. در حالی که حق بر تفہیم حقوق دربردارنده سازوکاری عام جهت ملزم نمودن مقامات رسمی به ارائه تمامی اطلاعات لازم برای معرفی حقوق متہمان به آنان محسوب می شود. حق بر تفہیم اتهام و ادله آن و سایر جلوه های خاص مذکور، سازوکارهای ویژه ای را جهت ارائه اطلاعات حقوقی قضایی به متہمان طراحی می نمایند.

جلوہ های خاص حق متہمان بر دریافت اطلاعات حقوقی و قضایی در فرایند کیفری در اسناد حقوق بشری، بیشتر از جلوه عام این حق، مورد توجه قرار گرفته اند.^۱ اما در مورد جلوه عام حق مذکور یعنی حق بر تفہیم حقوق صرفاً قسمت دال بند ۳ ماده ۱۴ میثاق مذکور تصریح نموده است که: «حق داشتن یک وکیل به متہم اطلاع داده می شود». و بدین ترتیب حق بر تفہیم تمامی حقوق متہمان، در قالب یک قاعده عمومی و به عنوان جلوه عام حق آنها بر دریافت اطلاعات حقوقی و قضایی در فرایند کیفری کمتر مورد توجه بوده است.^۲

فرایند کیفری دارای مراحل مختلفی است. اما در میان تمامی این مراحل، مرحله تحقیقات پلیسی - که در جرایم مشهود، قبل از دستور قضایی و حداکثر ظرف ۲۴ ساعت و در جرایم غیر مشهود با دستور قضایی توسط ضابطان دادگستری انجام می شود - حساسیت ویژه ای دارد. زیرا معمولاً نخستین مداخله رسمی در قبال متہمان در این مرحله و توسط ضابطان دادگستری صورت می گیرد. و به همین علت، تضییع حقوق متہمان در این مرحله

۱. به طوری که برای نمونه بند ۲ ماده ۹ و قسمت «الف» بند ۳ ماده ۱۴ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ به ضرورت «تفہیم اتهام و ادله آن» پرداخته و قسمت «د» بند ۳ ماده ۱۴ همین میثاق به «حق مشورت با وکیل مدافع» اختصاص یافته است.

۲. با وجود این، در سال های اخیر با توجه به تحولات و پیشرفت های موازین حقوق بشر، برخی از اسناد منطقه ای و از جمله «دستورالعمل پارلمان و شورای اتحادیه اروپا درباره حق بر اطلاعات در رسیدگی های کیفری» مصوب ۲۲ می ۲۰۱۲ میلادی، Directive 2012/13/EV of the European Parliament and of the Council of 22 May 2012 on the right to information in criminal procedures در کنار جلوه های خاص حق مورد نظر، به «حق بر تفہیم حقوق متہمان» به عنوان جلوه عام «حق بر دریافت اطلاعات حقوقی و قضایی در فرایند کیفری» و یکی از مصادیق مهم حقوق بشر، و در قالب یک قاعده عمومی تصریح و تأکید نموده اند. این دستورالعمل، در راستای تحقق حقوق بنیادین شکلی مصرح در قطعنامه «نقشه راه برای تقویت حقوق شکلی مظنونان و متہمان در رسیدگی های کیفری» مصوب ۳۰ نوامبر ۲۰۰۹ میلادی در شورای اتحادیه اروپا، و بر مبنای مواد ۵ و ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد این مواد، و همچنین حقوق مصرح در مواد ۶، ۴۷ و ۴۸ منشور حقوق بنیادین اروپایی، توسط شورای اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا به تصویب رسیده است. و طبق ماده ۱۱ این دستورالعمل، دولت های عضو اتحادیه اروپا باید قوانین، مقررات و بخش نامه های اداری مورد نیاز برای رعایت دستورالعمل را تا ۲ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی (۱۲ خرداد ۱۳۹۳) به اجرا گذارند. و کمیسیون اتحادیه اروپا موظف گردیده تا در ۲ ژوئن ۲۰۱۵ میلادی، گزارشی در مورد میزان انجام تدابیر لازم از سوی دولت های عضو را به پارلمان و شورای اتحادیه اروپا تقدیم نماید.

می تواند آثار زیانبارتری را نسبت به سایر مراحل به دنبال داشته باشد. چرا که ممکن است جهت گیری کلی یک پرونده کیفری را در قبال یک متهم بی گناه به سوی اثبات مجرمیت وی سوق دهد. به ویژه اگر متهم از ابتدا نسبت به حقوق قانونی خود ناآگاه باشد و با اظهارات اتهام بر انگیز خود زمینه چنین امری را فراهم نماید. از این رو، این نوشتار در تلاش است تا ابتدا به بیان چرایی تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری بپردازد و سپس انواع حقوقی که باید از سوی ضابطان به متهمان تفهیم شود را مورد بررسی قرار دهد و در نهایت نحوه نظارت بر انجام این تکلیف قانونی و ضمانت اجرای نقض آن را تبیین نماید.

۱. چرایی تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری

مبنای اصلی برای تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری، تأمین حقوق دفاعی متهمان است. منظور از حقوق دفاعی متهم، مجموعه امتیازات و امکاناتی است که در یک دادرسی عادلانه لازم است متهم از آن برخوردار باشد تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت علیه او مطرح شد و در شرایطی آزاد و انسانی از خود دفاع کند. امکاناتی نظیر حق تفهیم اتهام و ادله آن، حق سکوت، حق مشورت و ملاقات با وکیل مدافع (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۲۵)

به خوبی روشن است که لازمه به کارگیری حقوق دفاعی متهم، آگاهی متهم از آن- هاست. به گونه‌ای که تساوی سلاح‌ها برای متهم در برابر مقامات رسمی و از جمله ضابطان دادگستری رعایت شود. و متهم وادار به متهم ساختن خود نشود.

۱.۱. رعایت «تساوی سلاح‌ها»

به موجب بند ۳ ماده ۱۴ میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ میلادی، هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود باید با تساوی کامل از حقوق دفاعی خود بهره‌مند گردد. اصل تساوی سلاح‌ها بدین معنا است که در یک فرایند کیفری با هر دو طرف به نحوی برخورد شود که موقعیت مساوی هر دو از لحاظ دادرسی تضمین شود. (طه و اشرافی، ۱۳۸۶: ۱۴۰) بر این اساس، فراهم نمودن حقوق مساوی برای طرفین دادرسی کیفری اجتناب‌ناپذیر است. در غیر این صورت، دادرسی عادلانه‌ای وجود نخواهد داشت.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ساقیان، اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶-۵۷ پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۷۹ تا ۱۱۰

بدیہی است کہ اصلی ترین مقدمہ لازم برای تحقق تساوی سلاح‌ها و بهره‌مندی متہم از حقوق دفاعی خود، مطلع ساختن وی از این حقوق است. سلاح‌ها و امکانات مقامات رسمی و ضابطان بہ لحاظ اطلاعات حقوقی و قضایی قابل مقایسہ با متہم نیست. قرار گرفتن افراد در شرایط متہم شدن و یا نگہ‌داری در محیط کلانتری و یا تحت نظر گاہ، یکسری حقوق دفاعی را برای آنان ایجاد می‌کند کہ اغلب آنان یا نسبت بہ آن حقوق ناآگاہ هستند و یا ضربه روحی و آشفتگی و پریشانی فکری ناشی از آن شرایط، مجال صحیح اندیشیدن را از آنان سلب نموده و از این نظر، آنان را در شرایط نابرابری نسبت بہ ضابطان دادگستری قرار می‌دهد. از این رو، با توجہ بہ اصل برائت باید این گونه افراد را نسبت بہ حقوق خود آگاہ نمود و بہ همین دلیل، میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ میلادی در بند «دال» مادہ ۱۴ خود، لزوم مطلع ساختن متہم از حق داشتن وکیل را مورد تصریح قرار داده است. (کرامت و حبیب‌زادہ، ۱۳۹۱، ۹۵)

۲.۱. پیش‌گیری از تحریک بہ «خودمتہم‌سازی»

حقوق دفاعی متہم باید بہ گونه‌ای تضمین شود کہ از تحریک وی بہ خود متہم‌سازی^۱ پیش‌گیری نماید. در واقع، الزام متہم بہ متہم ساختن خود، اصل برائت را نقض می‌کند زیرا چنین الزامی، الزام بہ ارائه دلیل برای گناہ کاری خود است. با توجہ بہ این کہ دادستان و شاکی ملزم بہ اثبات مجرمیت متہم در حد ایجاد قناعت وجدانی برای دادرس اند، الزام متہم بہ متہم کردن خود، قاعدہ البینہ علی المدعی را نقض می‌کند. (رحمدل، ۱۳۸۸: ۳۱۵)

منظور از خود متہم‌سازی، بیان اظهاراتی است کہ ممکن است در حد یک اقرار صریح نباشد اما گویندہ را در معرض اتهام قرار داده و می‌تواند علیہ وی مورد استناد قرار گیرد. اصل عدم متہم کردن خود، لازمہ منطقی حق سکوت است. این دو، از یک منطقی پیروی می‌کنند و آن، حمایت از شخص در مقابل اجبار یا عملکرد غیرقانونی دستگاه عدالت کیفری و بہ ویژه پلیس است. حق سکوت و اصل عدم متہم کردن خود از این منظر از انحراف دستگاه عدالت کیفری ممانعت بہ عمل می‌آورد. در واقع، حتی پاسخ‌گویی متہم بہ پرسش‌های مقامات، شرکت در بہ اتهام کشیدن خویش تلقی می‌شود چرا کہ وی می‌تواند و باید خود را اصالتاً مبری بداند. از این رو، برای پیش‌گیری از تحریک بہ خودمتہم‌سازی پلیس باید

قبل از بازجویی، حق سکوت را به متهم تفهیم نماید زیرا همه افراد به این حق آگاهی ندارند (تدین، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

تأکید بر اصل پیش‌گیری از تحریک متهم به خود متهم‌سازی ناشی از حساسیت ویژه‌ای است که نسبت به چگونگی اخذ اظهارات و اقرارهای متهمان در جریان تحقیقات مقدماتی و به ویژه بازجویی‌های پلیسی وجود دارد. به موجب این اصل، نباید از جهل متهم برای اخذ اظهارات یا اقرارهایی از ناحیه وی استفاده شود. به ویژه این که فضای حاکم بر کلانتری معمولاً شرایطی را در جهت خودمتهم‌سازی افراد فراهم می‌کند و این امر می‌تواند قرینه‌ای بر عدم اعتبار اظهارات اخذ شده در پاسگاه پلیس باشد. از این‌رو برای پیش‌گیری از تحریک متهم به خود متهم‌سازی و تضمین اعتبار اظهارات وی از ساز و کار تفهیم حقوق متهم استفاده می‌شود.

از این نظر، تفهیم حقوق متهم صرفاً به معنای رفع جهالت و ناآگاهی متهم و یا یادآوری و تذکر حقوق وی در شرایط اضطراب‌انگیز و فشارآمیز ناشی از قرار گرفتن در موضع یک متهم نیست، بلکه متضمن این سؤال از متهم است که آیا وی تمایلی به اظهار مطلبی دارد؟ یا خواستار اعمال حق سکوت است؟ استفاده از ساز و کار تفهیم حقوق متهم، ابزاری عملی برای تضمین پایبندی مأموران رسمی به رعایت حقوق دفاعی متهم از بدو تحقیقات است. به همین علت تفهیم حقوق متهم، نمی‌تواند مشروط بر ناآگاهی متهم از حقوق خود و یا حتی وجود اضطراب روانی در وی باشد. بلکه حتی یک قاضی سابق که در موضع یک متهم قرار گرفته، و بدون اضطراب روانی است، نیز باید مورد تفهیم حقوق قرار گیرد.^۱

۲. چیستی و چگونگی تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری

۱. در نظام حقوق داخلی، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۱۲۹ خود به ممنوعیت تحریک متهم به خود متهم‌سازی اشاره نموده است: «..... سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است.» اما بیشتر دارای جنبه‌های انفعالی و نفی رفتارهای نادرست قضایی است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به موجب ماده ۱۹۰ خود بازپرس را به عنوان یک نقش فعالانه مکلف به ابلاغ تفهیم «حق همراه داشتن وکیل» به متهم نموده است. و به جای تکلیف به تفهیم «حق سکوت به متهم»، که اصل آن در ماده ۱۹۷ آن، پیش‌بینی شده است، در ماده ۱۹۵ خود مقرر نموده که «بازپرس به متهم اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد.... و به او اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد...». همانطور که ملاحظه می‌شود در ماده ۱۹۵ قانون جدید، به جای تفهیم حق سکوت به متهم، نوعی تشویق و تحریک متهم به اقرار و خودمتهم‌سازی در دستور کار قضایی قرار گرفته است. که این امر با تضمین حقوق دفاعی متهم منافات داشته و در مخالفت آشکار با اصل برائت است.

در این قسمت تلاش می‌شود تا از رهگذر بررسی انواع حقوقی که باید به متهم تفهیم شوند، و مرحله و زمان انجام تفهیم حقوق و در نهایت بیان شیوه آن به چپستی و چگونگی تفهیم حقوق متهم پرداخته شود.

۱.۲. حقوق مورد تفهیم به متهمان

با توجه به مبانی تفهیم حقوق متهمان، در هر یک از نظام‌های حقوقی جهان حقوق متفاوتی، از سوی ماموران پلیس به متهم تفهیم می‌شود. و معمولاً عنوان هر یک از حقوق مورد نظر در متن قوانین موضوعه و یا قواعد حقوقی مورد تصریح قرار می‌گیرد. برای نمونه در ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (اصلاحی ۲۰۱۱ میلادی)^۱ هر یک از حقوقی که باید به متهم تفهیم شود به طور صریح مورد اشاره قرار گرفته است و نه تنها از به کار بردن عبارات کلی - نظیر این که: تمامی حقوق متهم باید به وی تفهیم شود - اجتناب شده است. بلکه حتی به بیان شماره مواد مربوط به هر یک از حقوق مورد نظر نیز بسنده نشده و عنوان هر یک از حقوق نیز مورد تصریح قانون‌گذار قرار گرفته است.^۲

در نظام حقوقی ایران، قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ صرفاً به تفهیم اتهام متهمان از سوی ضابطان دادگستری در ماده ۲۴ خود اشاره نموده و به تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری اشاره ای ننموده است. اما در قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ می‌توان به مواد ۶ و ۵۲ این قانون اشاره نمود. در ماده ۶ مقرر گردیده است که «متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و...». با وجود این، در متن این قانون، تمامی حقوق مورد تفهیم، مورد تصریح قرار نگرفته و در ماده ۵۲ این قانون به صورت گزینشی به تفهیم حقوق متهمان، فقط در زمان

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

Code de procédure pénale, Version consolidée du code au 4 janvier 2014
<http://www.legifrance.gouv.fr/>

۲. ماده ۱-۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه مقرر می‌دارد: «شخصی که در شرایط تحت نظر قرار دارد فوراً توسط افسر پلیس قضایی یا تحت نظارت او توسط مامور پلیس قضایی به زبانی که برای او قابل فهم باشد و در صورت اقتضا به شیوه ای مکتوب از مطالب زیر مطلع می‌شود: ۱- از محل نگهداری تحت نظر خود و همچنین از مدت نگهداری و از تمدید یا تمدیدهایی که با آن مواجه خواهد شد. ۲- از ماهیت و زمان مفروض جرمی که مظنون به ارتکاب یا شروع به ارتکاب آن است. ۳- از اقدامی می‌تواند از آن بهره‌مند شود شامل: حق اطلاع به یکی از نزدیکان یا کارفرمای خود، حق معاینه توسط یک پزشک، حق همراهی یک وکیل. ۴- در جلسات رسیدگی بعد از اظهار هویت خود به بیان اظهارات شخصی یا پاسخ به سوالات مطروحه بپردازد یا از پاسخ‌گویی امتناع نماید. (حق سکوت)»

«تحت نظر»^۱ بودن از سوی ضابطان اشاره شده است.^۲ هر چند برای ملزم نمودن مقامات رسمی و ضابطان دادگستری در ایران برای تفهیم تمامی حقوق متهمان به آنان، استناد به اطلاق ماده ۶ پیش گفته کافی است. اما تصریح به عنوان هر یک از حقوق مورد تفهیم در متن قانون جدید، جهت پیش‌گیری از بروز نظرات و رویه‌های مخالف با این ماده، ضروری به نظر می‌رسد. حقوق مورد تفهیم به متهم را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود. نخست، حقوق ناظر بر تمامی متهمان. و دوم، حقوق ویژه متهمان محروم از آزادی. دسته نخست به تمامی متهمان و از جمله متهمان محروم از آزادی تفهیم می‌شوند، اما دسته دوم صرفاً به متهمان محروم از آزادی- و به علت قرار گرفتن در شرایط سالب آزادی- تفهیم می‌شوند.

۱.۱.۲. حقوق ناظر بر تمامی متهمان

۱.۱.۱.۲. حق تفهیم اتهام و ادله آن

در نظام حقوق داخلی به رغم تصریح به حق تفهیم اتهام و ادله آن به متهم^۳، تفهیم این حق به طور جداگانه مورد تصریح قرار نگرفته است. در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز به حق تفهیم اتهام و ادله آن به متهم- برای نمونه در ماده ۱-۶۳- تصریح شده است اما تکلیف جداگانه‌ای برای تفهیم این حق به متهم وجود ندارد.^۴ با وجود این، دستورالعمل مجلس و شورای اتحادیه اروپا درباره حق بر اطلاعات در رسیدگی‌های کیفری مصوب ۲۲ می ۲۰۱۲ میلادی در قسمت (c) از بند اول ماده ۳ خود، تفهیم حق تفهیم اتهام را به متهمان، ضروری تلقی نموده است.

۱. به موجب ماده ۲۴ قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ و ماده ۴۶ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ در جرایم مشهود، ضابطان دادگستری می‌توانند در صورت ضرورت، متهم را حداکثر تا ۲۴ ساعت نگه داری نمایند و در هر صورت باید مراتب را فوری برای اتخاذ تصمیم قانونی به دادستان اطلاع دهند. به این اقدام که در ابتدا می‌تواند بدون دستور و تجویز قضایی باشد، اصطلاحاً «تحت نظر» قرار دادن اطلاق می‌شود.

۲. طبق ماده ۵۲ قانون مذکور: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.»

۳. در اصل ۳۲ قانون اساسی، مواد ۲۴ و ۱۲۹ قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ و مواد ۴۶ و ۱۹۵ قانون جدید آ.د.ک، به این حق اشاره شده است.

۴. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

شاید تلقی عمومی این باشد که رعایت حق تفهیم اتهام و ادله آن به خودی خود ارائه-
دهنده اطلاعات کافی قضایی به متهم است و نیازی نیست که اصل این حق، به متهم تفهیم
شود. اما با توجه به اینکه ممکن است برخی از ضابطان دادگستری، تفهیم اتهام و یا ذکر
ادله آن را فراموش نمایند، لازم است که متهم از حقوق خود در این رابطه مطلع شود، تا
بتواند آن را مطالبه نماید. و اساسا الزام ضابطان دادگستری به تفهیم این حق، می تواند ابزار
مناسی برای پایبندی آنان به تفهیم اتهام و ادله آن به متهمان باشد. افزون بر این، در
صورت تغییر عنوان جرم اتهامی، متهم باید از حق خود مبنی بر تفهیم اتهام مجدد، مطلع
گردد.

۲.۱.۱.۲. حق سکوت

معنای حق سکوت متهم، این است که متهم در قبال بازجویی و سؤالات مقام‌های رسمی
حق دارد سکوت نماید. ناخوشبختانه حق سکوت متهم در قبال بازجویی ضابطان دادگستری
در قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و قانون آ. د. ک مصوب ۱۳۹۲ مورد
تصریح قرار نگرفته است.^۱ و ضابطان دادگستری تکلیفی برای تفهیم این حق به متهمان
ندارند.

در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر، به صراحت مقرر گردیده است که باید حق سکوت و
نپذیرفتن اتهام در بازجویی پلیس، به متهم تفهیم شود. (تدین، ۱۳۸۸: ۱۸۳) دستورالعمل
اتحادیه اروپا نیز در قسمت پنجم از بند اول ماده ۳ خود، تفهیم این حق را به متهمان
ضروری دانسته است.

در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا، تفهیم حق سکوت به موجب قاعده حقوقی موسوم
به قاعده «میراندا» در پرونده «میراندا به طرفیت آریزونا»^۲ به سال ۱۹۶۶ میلادی، یکی از
حقوق مسلم مظنونان و متهمان به شمار می‌رود. به موجب این قاعده، نخستین حقی که
باید تفهیم شود، حق سکوت است.^۳ دیوان عالی فدرال آمریکا، قاعده میراندا را مبتنی بر

۱. این حق در فرایند تحقیقات قضایی در ماده ۱۲۹ قانون آ. د. ک سابق مصوب ۱۳۷۸ به طور ضمنی مورد پذیرش بود. اما در ماده ۱۹۷ قانون آ. د. ک. مصوب ۱۳۹۲ مورد تصریح قرار گرفته است. با این حال، نه در قانون سال ۱۳۷۸ و نه در قانون جدید، به تفهیم این حق به طور جداگانه تصریح نشده است.

2. *Miranda v. Arizona* (1966)

۳. به موجب قاعده میراندا، پلیس موظف است موارد زیر را به مظنونان یادآوری کند. حق سکوت، این که اظهارات وی می‌تواند علیه وی مورد استفاده قرار گیرد، حق مشورت و ملاقات با وکیل مدافع، و این که اگر وی امکان اختیار وکیل ندارد، یک وکیل برای او انتخاب می‌شود.

اصلاحیه پنجم قانون اساسی آمریکا^۱ می‌داند. براساس این اصلاحیه، هیچ شخصی نباید در هیچ پرونده کیفری وادار به شهادت علیه خود^۲ شود. بدین ترتیب، تفهیم این حق، بیشتر مبتنی بر ضرورت پیش‌گیری از تحریک متهم به خودمتهم‌سازی است. (Samaha, 2012: 265)

هر چند در پرونده «میراندا» هیچ اجبار فیزیکی از سوی پلیس به کار برده نشده بود اما براساس رأی دیوان عالی فدرال آمریکا: «رویه کنونی مبنی بر بازجویی در فضایی بدون ارتباط با خارج، مغایر با یکی از والاترین اصول ملت ماست. بدین مضمون که هیچ فردی نباید به متهم ساختن خود وادار گردد... . مأموران پلیس سابقه به کارگیری روش‌های وحشیانه برای دستیابی به اعترافات را دارند. استفاده از روش‌های اجبار فیزیکی مربوط به گذشته است، اما پلیس شروع به استفاده از روش‌های روان‌شناختی نموده که به اندازه روش‌های فیزیکی، اکراه آمیز است... اگر ابزارهای حمایتی کافی برای دور نمودن فضای اکراه‌آمیز موجود در مکان‌های سلب آزادی، به کار گرفته نشود، نمی‌توان هیچ یک از اظهارات متهم در این مکان را نتیجه اختیار آزاد وی دانست». (Ruschmann, 2007: 18)

به خوبی روشن است که دغدغه اصلی و مبنای حقوقی تفهیم حق سکوت به متهم در نظام حقوقی آمریکا، پیش‌گیری از اخذ اقرار یا اظهارات اتهام برانگیز از متهم از طریق سوءاستفاده از شرایط و وضعیت اوست. تفهیم حق سکوت به متهم، این امر را تضمین می‌کند که اظهارات و اقرارهای متهم، با آگاهی کامل و در شرایطی کاملاً آزادانه بیان شده است. به همین علت، پس از تفهیم حق سکوت متهم باید بلافاصله به وی تذکر داده شود که «اظهارات وی علیه وی مورد استفاده قرار خواهند گرفت». تا وی از عواقب اظهارات خود آگاه باشد و بداند که افرادی که با وی صحبت می‌کنند فقط درصدد تأمین منافع وی نیستند. (Samaha, 2012: 271) پس از تفهیم موارد فوق‌الاشعار به محض این که متهم اعلام کند که خواستار سکوت است، باید بازجویی متوقف گردد.

۱. «اصلاحیه پنجم قانون اساسی آمریکا» در کنار نه اصلاحیه دیگر (از اصلاحیه شماره یک تا ده) تحت عنوان، «منشور حقوق» در این کشور شناخته می‌شوند. اصلاحیه پنجم در سال ۱۷۹۱ میلادی به تصویب رسیده است.

۲. شهادت دادن در کامن لا به معنای این نیست که کسی واقعه‌ای را ببیند یا بشنود و آن را گواهی دهد. بلکه مفهوم آن بسیار وسیع است. چنان‌که در محاکم آمریکا، یک جایگاه در برابر میز رئیس دادگاه قرار داده شده که به جایگاه شهود معروف است و کلیه کسانی که باید مطالبی را بیان کنند گواه نامیده می‌شوند. این افراد می‌توانند متهم، گواهان به معنای اخص کلمه، شاک، مامور پلیس کارشناس و غیره به استثنای دادستان و وکلای مدافع باشند. (انصاری، ۱۳۸۰، ۲۶۳)

۳.۱.۱.۲. حق مشورت، ملاقات و همراهی با وکیل مدافع

در قانون سابق آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به حق متهمان بر داشتن وکیل در مرحله تحقیقات پلیسی اشاره نشده است. و تکلیفی برای ضابطان در تفهیم این حق وجود ندارد.^۱ با وجود این، با توجه به این که در بند «دال» ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ میلادی تصریح شده است که حق داشتن وکیل باید به متهم اطلاع داده شود و از آنجا که دولت ایران در سال ۱۳۵۴ به این معاهده بین‌المللی پیوسته و طبق ماده ۹ قانون مدنی. مفاد این معاهده را در حکم قانون داخلی دانسته است فلذا تفهیم این حق در ایران، از طریق تدوین و تصویب قوانین داخلی مناسب از سال ۱۳۵۴ تا زمان تصویب قانون جدید آ. د. ک یک تکلیف قانونی برای دولت بوده است. قانون آ. د. ک. مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۴۸ خود، ضابطان دادگستری را مکلف به رعایت حق افراد تحت نظر بر داشتن وکیل نموده است و در ماده ۵۲ به طور کلی مقرر داشته که ضابطان دادگستری باید حقوق مندرج در این قانون (و از جمله حق داشتن وکیل) را به فرد تحت نظر تفهیم کنند.^۲

در قانون آ. د. ک. فرانسه در ماده ۱-۶۳، به تفهیم حق مشورت با وکیل از سوی ضابطان قضایی اشاره شده است. و در حال حاضر با تصویب قانون ۲۰۱۱ میلادی، ماده ۱-۶۳ علاوه بر اشاره به شماره مواد مربوطه به عنوان کامل هر یک از حقوقی که باید به متهم تفهیم شود و از جمله «حق ملاقات با وکیل» تصریح نموده است.^۳ که این امر می‌تواند از بروز نظرات و رویه‌های مخالف با هدف قانون‌گذار جلوگیری نماید.

در حقوق آمریکا، به موجب قاعده «میراندا» یکی از هشدارهای موسوم به «هشدارهای میراندا»^۴، مطلع ساختن متهم از حق داشتن وکیل و تماس با وی است. پس از تفهیم این

۱. در مواد ۱۲۸ و ۱۸۵، از قانون آ. د. ک. ۱۳۷۸ به حق متهم برداشتن وکیل مدافع در قبال تحقیقات قضایی اشاره شده. اما تفهیم این حق به متهم پیش‌بینی نشده است.

۲. قانون آ. د. ک. مصوب ۱۳۹۲ حق متهم بر داشتن وکیل در مرحله تحقیقات قضایی و محاکمه را، نه تنها در مواد ۱۹۰ و ۳۴۶ پیش‌بینی نموده است. بلکه در ماده ۱۹۰ مقرر داشته است که: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود...». بدین ترتیب، تنها حقی که صراحتاً - و با اشاره به عنوان آن حق - و به طور مشخص در یک ماده از قانون جدید، بر تفهیم آن به متهم تصریح شده است، حق همراه داشتن وکیل در تحقیقات قضایی است.

۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

Code de procédure pénale, Version consolidée du code au 4 janvier 2014
<http://www.legifrance.gouv.fr/>

4. Miranda Warnings

حق، به محض این که متهم، خواستار حضور وکیل شود، بازجویی باید تا حضور وکیل متوقف گردد (نیوبور، ۱۳۸۹: ۴۶۱). افزون بر این به متهم اعلام می‌شود که در صورتی که امکان اختیار نمودن وکیل انتخابی را ندارد، یک وکیل برای او در نظر گرفته می‌شود. در این حالت نیز اگر متهم خواستار حضور وکیل شود، تا حضور وکیل معاضدتی، باید بازجویی متوقف شود.^۱

۲.۱.۲. حقوق ویژه متهمان محروم از آزادی

منظور از متهمان محروم از آزادی آن دسته از متهمانی اند که قبل از صدور قرار تأمین کیفری و برای جلوگیری از فرار آنان و حاضر نمودن آنان نزد مقام قضایی از سوی ضابطان دادگستری، با رعایت شرایط قانونی تحت نظر قرار می‌گیرند و یا جلب می‌شوند.

۱.۲.۱.۲. حق معاینه پزشکی

حق معاینه پزشکی برای متهمان در قانون سابق آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ به رسمیت شناخته نشده است. اما به موجب ماده ۵۱ قانون جدید آ.د.ک. مصوب ۱۳۹۲^۲ این حق برای متهمان در نظر گرفته شده است. و ماده ۵۲ قانون مذکور تصریح می‌دارد که ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون برای افراد تحت نظر را به فرد تحت نظر تفهیم نمایند. از این رو، ضابطان دادگستری مکلف اند این حق را به افراد «تحت نظر» تفهیم نمایند. مشابه همین مقررات در ماده ۱-۶۳ ق.آ.د.ک. فرانسه وجود دارد.^۳ البته قانون فرانسوی با صراحت کامل عنوان حق معاینه پزشکی را بیان نموده است. اما در قانون ایرانی به طور کلی به تفهیم حقوق مندرج در این قانون اشاره نموده است.

۱. در حقوق ایران، هر چند طبق تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون جدید آ.د.ک. ۱۳۹۲ در تحقیقات مقدماتی (در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است) برای متهم وکیل تسخیری تعیین می‌شود. اما تفهیم این حق در یک ماده مشخص مورد تصریح قرار نگرفته است.

۲. به موجب این ماده مقرر گردیده است که «بنابه درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان، از وی معاینه به عمل می‌آورد و گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.»

۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

۲.۲.۱.۲. حق مطلع ساختن یک فرد یا مقامات کنسولی

این حق، در بند ۵ ماده واحده قانون حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و به نحو کامل تری در ماده ۵۰ قانون جدید آ.د.ک. در حقوق ایران پذیرفته شده است. و به موجب آن متهم حق دارد به وسیله تلفن یا هر وسیله دیگری افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن خود آگاه سازد. در ق.آ.د. کیفری فرانسه نیز این حق در ماده ۲-۶۳ پیش بینی شده است. تفهیم این حق به متهم در حقوق ایران براساس ماده ۵۲ قانون آ.د.ک و در حقوق فرانسه بر مبنای ماده ۱-۶۳ قانون آ.د.ک ضروری است. در قسمت دوم بند دوم ماده ۳ دستورالعمل اتحادیه اروپا مقرر گردیده است که «حق مطلع ساختن مراجع کنسولی و یا یک شخص به انتخاب متهم» باید به متهمی که از آزادی محروم می شود، تفهیم گردد. اشاره به مراجع کنسولی در این مقرر اروپایی برای تضمین حقوق افرادی که در سایر کشورها دستگیر می شوند مفید و ضروری به نظر می رسد. حق مطلع ساختن مقامات کنسولی و ملاقات با آنان در مرحله تحقیقات مقدماتی به عنوان تکلیفی برای بازپرس در تبصره ۲ ماده ۲۳۶ قانون جدید آ.د.ک ایران به رسمیت شناخته شده اما در مرحله تحقیقات پلیسی چنین وظیفه ای بر عهده ضابطان گذاشته نشده است.

۳.۲.۱.۲. حق رعایت محدودیت زمانی سلب آزادی

سلب آزادی از متهم توسط ضابطان دادگستری - که در جرایم مشهود با عنوان تحت نظر قرار دادن شناخته می شود - نمی تواند بدون محدودیت زمانی اعمال شود. طبق ماده ۲۴ از قانون سابق آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۴۶ از قانون آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ محدودیت زمانی ۲۴ ساعته برای سلب آزادی متهمان توسط ضابطان دادگستری مقرر گردیده است. تفهیم رعایت این محدودیت زمانی به عنوان یکی از حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری در ماده مشخصی و به طور صریح در هیچ یک از قانون های آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ و ۱۳۹۲ مقرر نشده است. اما از ماده ۵۲ قانون جدید می توان لزوم تفهیم آن را استنباط نمود. زیرا ماده مذکور بر لزوم تفهیم حقوق مندرج در آن قانون به افراد تحت نظر تأکید می نماید. و حق مذکور هم یکی از همین حقوق است. در حقوق فرانسه به موجب بند نخست ماده ۱-۶۳ ق.آ.د.ک. نه تنها باید طول مدت سلب آزادی به متهم تفهیم شود بلکه لازم است که مکان نگهداری وی نیز به وی معرفی شود.^۱

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

۴.۲.۱.۲. حق اعتراض به سلب آزادی

سلب آزادی از متهم یک اقدام استثنائی و خلاف قاعده و مخالف با اصل برائت است. از این-رو، در بند «ن» ماده ۳ قانون ت.د.ع.ا. حق اعتراض به بازداشت موقت برای متهم به رسمیت شناخته شده است و در ماده ۲۳۹ قانون جدید آ.د.ک مقرر شده است که باید «حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود». اما در مورد دستگیری پلیسی در جرایم مشهود، از آنجا که حق اعتراض به چنین دستگیری در نظام حقوقی ایران برای متهمان به رسمیت شناخته نشده است. ضابطان دادگستری را نمی‌توان مکلف به تفهیم چنین حقی به آنان نمود. با وجود این، در بند سوم از ماده ۳ دستورالعمل اتحادیه اروپا مقرر شده است که تفهیم حقوق متهم باید در بردارنده اطلاعات اساسی در مورد امکان اعتراض به قانونی بودن دستگیری، راههای بازنگری در بازداشت موقت یا تقاضا برای آزادی باشد.

۲.۲. تفهیم حقوق متهمان در جرایم مختلف و زمان آن

۱.۲.۲. تفهیم حقوق متهمان در جرایم مشهود و غیر مشهود

ضابطان دادگستری، تحت نظارت مقام قضایی در جرایم مشهود و غیر مشهود دارای اختیارات و وظایف متفاوتی‌اند.

۱.۱.۲.۲. تفهیم حقوق متهمان در جرایم مشهود

طبق ماده ۴۶ قانون جدید آ.د.ک ایران ضابطان دادگستری در جرایم مشهود می‌توانند متهم را نگاه‌داری و تحت نظر قرار دهند. و به موجب ماده ۵۲ همین قانون، ضابطان دادگستری مکلف‌اند حقوق مندرج در قانون مذکور در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفهیم نمایند. با توجه به مواد ۴۶ تا ۵۳ قانون جدید که به طور خاص به حقوق شخص تحت نظر مربوط می‌شوند. حق تقاضای حضور وکیل و ملاقات با وی (ماده ۴۸)، حق مطلع ساختن افراد خانواده یا آشنایان (ماده ۵۰)، و حق معاینه پزشکی (ماده ۵۱) باید به فرد تحت نظر، تفهیم گردد. ظاهراً ماده ۵۲ مذکور مخصوص افرادی است که در جرایم مشهود، تحت نظر قرار می‌گیرند.

در قانون جدید آ.د.ک. ایران تعریف مشخصی از تحت نظر قرار دادن متهم ارائه نشده است. اما در قانون آ.د.ک. قرآنسه به موجب ماده ۲-۶۲ این قانون، زمان شروع تحت نظر در وضعیت جرم مشهود، از لحظه سلب آزادی فرد و در موردی که وی به اراده خود و بدون الزام مأموران، نزد افسر پلیس قضایی حاضر می‌شود از زمان جلسه استماع وی آغاز می‌شود. پلیس قضایی حتی در مورد جرایم مشهود برای توجیه تحت نظر قرار دادن یک فرد ملزم به

اثبات وجود علت یا علل قانونی خاصی مانند احتمال فرار متهم است. (آشوری و سپهری، ۱۳۹۲: ۷) ممکن است فردی متهم به ارتکاب یک جرم مشهود باشد اما لزوماً تحت نظر قرار نگیرد و علت یا علل قانونی توجیه‌کننده برای تحت نظر قرار دادن وی وجود نداشته باشد. می‌توان تصور نمود که دو کارمند دولتی در یکی از ادارات ایرانی به یکدیگر توهین کنند و ضابط دادگستری در محل حاضر باشد. پس از تشکیل پرونده، ضرورتی برای تحت نظر قرار دادن متهمان وجود ندارد. با توجه به مطالبی که بیان شد، می‌توان این‌گونه استدلال نمود که اگر متهمان به ارتکاب جرایم مشهود، تحت نظر قرار نگیرند، تفہیم حقوق آنان - و به طور ویژه حق برداشتن وکیل - مشمول ماده ۵۲ مذکور نبوده و از این نظر ضروری تلقی نشود. زیرا ماده ۵۲ مقرر داشته است که: «هرگاه متهم تحت نظر قرار گرفت ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت نظر را به متهم تفہیم (نمایند)....» در راستای رفع نارسایی‌های مذکور می‌توان پیشنهاد داد که در صدر ماده ۵۲ قید «هرگاه متهم تحت نظر قرار گیرد» حذف شود تا بدین طریق، تفہیم حقوق متهمان صرفاً دربردارنده مواردی که متهمان تحت نظر قرار می‌گیرند نشود. بلکه شامل تمامی متهمان گردد.

۲.۱.۲.۲. تفہیم حقوق متهمان در جرایم غیر مشهود

در سایر جرایمی که واجد شرایط تعریف جرم مشهود نیستند، ضابطان دادگستری اختیاری برای تحت نظر قرار دادن متهم ندارند. و به محض اطلاع از ارتکاب جرم باید موضوع را به دادستان اطلاع دهند تا وی پس از بررسی لازم، دستور ادامه تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب اتخاذ نماید. بنابراین همان‌طور که در رویه عملی مشاهده می‌شود، ممکن است در جرایم غیر مشهود تحقیقات و بازجویی‌های اولیه از متهم به ضابطان دادگستری تفویض شود. در چنین شرایطی تفہیم حقوق متهم مشمول ماده ۵۲ قانون جدید قرار نمی‌گیرد. و شاید این تلقی به وجود آید که در این موارد تفہیم حقوق متهمان، مبنای قانونی ندارد.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در جرایم غیر مشهود میان دو وضعیت، تفکیک قایل شده است. نخست، وضعیتی که در آن اقدامات ضابطان، بدون دستور جلب متهم و بدون دستگیری وی انجام می‌گیرد. در این وضعیت هیچ مبنای قانونی برای تفہیم حقوق متهم وجود ندارد. دوم، وضعیتی که در آن اقدامات ضابطان، همراه با دستور جلب و دستگیری متهم انجام می‌گیرد. در این حالت، تبصره ماده ۱۸۵ قانون فوق‌الاشعار مقرر می‌دارد که در خصوص فرد جلب شده، رعایت مواد ۴۹ تا ۵۳ این قانون الزامی است. و بدین

ترتیب تفهیم حقوق آنان یعنی حق اطلاع دادن به خانواده یا آشنایان (موضوع ماده ۵۰) و حق معاینه پزشکی (موضوع ماده ۵۱) از سوی ضابطان دادگستری ضروری خواهد بود. در نظام حقوقی آمریکا، تفهیم حقوق متهم به دست پلیس در صورت احراز دو شرط الزامی است. نخست، تحقق شرایط (Custody)، و دوم، وجود قصد بازجویی از سوی پلیس. هر چند معنای واقعی (Custody) سلب آزادی از فرد است. اما از نظر دیوان عالی فدرال آمریکا، تفهیم حقوق متهم براساس قاعده «میراندا» تنها در درون مکان‌های سالب آزادی الزامی نیست بلکه در بردارنده تمامی فضاهای اکراه‌آمیز است. حتی اگر متهم، در منزل خود و از سوی چهار مأمور پلیس، مورد بازجویی قرار گیرد. ممکن است او در شرایط حبس‌آمیز قرار گرفته باشد.^۱ (Samaha, 2012: 275)

شرط دوم، وجود قصد بازجویی از سوی پلیس است. دیوان عالی فدرال آمریکا، علاوه بر بازجویی‌های متعارف، دو معیار را برای احراز وجود این قصد به کار برده است: ۱- معیار هم-ترازی کاربرد با یک پرسش، در پرونده «رود آیلند به طرفیت اینیس به سال ۱۹۸۰ میلادی»،^۲ مأموران پلیس به جای سؤالات مستقیم از متهم، با خود صحبت می‌کردند و جملاتی را مطرح می‌نمودند که در نهایت متهم را تحریک به پاسخ‌گویی نمود و این در حالی بود که متهم اعلام نموده بود که می‌خواهد با وکیل خود مشورت نماید. ۲- معیار تحریک آگاهانه مأموران پلیس به پاسخ‌دهی متهم، براساس این معیار حتی اگر مأموران پلیس سؤالات مستقیمی را مطرح نکرده باشند اما به طور آگاهانه و از طریق هم دست متهم، وی را به پاسخ‌گویی وادار کرده باشند، این از مصادیق بازجویی است. در مجموع، در صورت احراز تحقق شرایط حبس‌آمیز و قصد بازجویی از سوی پلیس، باید «هشدارهای میراندا» به متهم تفهیم شود. (Ibid, 278)

با مقایسه دو نظام حقوقی ایران و آمریکا می‌توان گفت که قلمروی تفهیم حقوق متهمان در نظام حقوقی آمریکا گسترده‌تر از نظام حقوقی ایران است زیرا صرفاً شامل موارد نگهداری متهم در مکانهای سالب آزادی نمی‌شود؛ بلکه تمامی فضاهای اکراه‌آمیز مثل منزل خود متهم را در بر می‌گیرد. اما مقررات حقوق آمریکا نیز حقوق تمامی متهمان را به طور کامل تأمین نمی‌نماید. زیرا با توجه به این که در ابتدای مقاله توضیح داده شد که

۱. براساس رأی دیوان عالی فدرال آمریکا در پرونده (اوروزکو به طرفیت تگزاس)، معیار اصلی برای احراز شرایط حبس‌آمیز، توجه نمودن به مجموعه شرایط و اوضاع و احوال موجود در هر پرونده است. در این مورد به شاخص‌های نه‌گانه‌ای اعم از: قصد نگه داشتن متهم توسط مأموران پلیس، ادبیات به کار رفته برای احضار متهم، مدت نگهداری متهم و... توجه می‌شود.

2. Rhod Island v. Innis 1980

دستیابی به اطلاعات حقوقی و قضایی، به عنوان یکی از جلوه های حقوق بشر، حق تمامی متهمان است و رعایت تساوی سلاح ها و پیش گیری از تحریک به خود متهم سازی به صنف خاصی از متهمان محدود نمی شود. از این رو، تفہیم حقوق متهمان نیز نباید مخصوص متهمان تحت نظر و یا جلب شده باشد. و یا حتی نباید محدود به احراز تحقق فضای اکراه آمیز - چنان که در نظام حقوقی امریکا است - بشود. برای مثال اگر ضابطان دادگستری در اجرای دستور قضایی، فردی را احضار نمایند که به وی تفہیم اتهام نموده و بازجویی نمایند قاعدتاً و مطابق موازین حقوق بشری باید حقوق وی را به وی تفہیم نمایند.

۲.۲.۲. زمان تفہیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری

از آنجا که تفہیم حقوق متهمان نسبت به استفاده از این حقوق توسط آنان، جنبه مقدماتی دارند، زمان تفہیم این حقوق باید فوراً یا قبل از هرگونه بازجویی از متهم باشد. ماده ۱-۶۳ قانون آ.د.ک. فرانسه این نکته را رعایت نموده و مقرر نموده است که باید فوراً حقوق متهم به وی تفہیم گردد. و در انتهای همین ماده تأکید شده است که ارائه اطلاعات مذکور باید قبل از آغاز شروع تحت نظر صورت گیرد.^۱ در بند نخست ماده ۳ دستورالعمل اتحادیه اروپا و نیز در ماده ۴ این مقررہ اروپایی تصریح شده است که حقوق متهم باید بلافاصله در اختیار متهم قرار داده شود. تا وی بتواند به شکل مفیدی از این حقوق استفاده نماید.

در نظام حقوق داخلی، ماده ۱۹۰ قانون جدید آ.د.ک. درباره وظایف مقامات قضایی به درستی پیش بینی نموده است که حق داشتن وکیل، باید پیش از شروع تحقیق به متهم تفہیم و ابلاغ شود. اما در ماده ۵۲ این قانون هیچ تصریحی در مورد لزوم تفہیم حقوق متهم پیش از شروع بازجویی توسط ضابطان دادگستری صورت نگرفته است. و این در حالی است که در ماده ۴۶ همین قانون در خصوص زمان تفہیم اتهام و ادله آن به متهم از عبارت بلافاصله استفاده شده است.

۳.۲. شیوه تفہیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری

شیوه تفہیم حقوق متهم باید به گونه ای انجام گیرد که اطلاعات مورد نظر برای متهم، قابل فہم و در دسترس باشد. در اینجا تأکید بر تفاوت میان عبارت تفہیم حقوق متهم با عباراتی همچون مطلع ساختن متهم و یا ابلاغ حقوق به وی بسیار مهم است. قانون جدید آ.د.ک. در

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

متن ماده ۵۲ از عبارت تفهیم استفاده نموده است. بدیهی است، مطلع ساختن متهم از حقوق خود زمانی می‌تواند صدق معنای تفهیم حقوق متهم نماید که ضرورتاً با زبانی صورت گیرد که برای متهم قابل فهم باشد. از این رو، قانون‌گذار فرانسوی در ماده ۱-۶۳ ق.آ.د.ک. به صراحت به این امر اشاره دارد. و منظور از زبان قابل فهم می‌تواند اعم از زبان‌های سایر کشورها و یا حتی زبان ناشنویان باشد.

افزون بر این، و با توجه به این که تفهیم حقوق متهم یک تکلیف مقید به نتیجه است، ضابطان دادگستری صرفاً نمی‌توانند با ارائه یک برگه مشتمل بر فهرست حقوق متهم به وی، از تفهیم واقعی حقوق وی از طریق مکالمات شفاهی با متهم اجتناب نمایند. در برخی از نظام‌های حقوقی نظیر آمریکا، پس از بیان حقوق متهم از وی پرسیده می‌شود که آیا حقوقی که برای شما قرائت کردم را فهمیدید؟ و در صورت دریافت پاسخ مثبت می‌توان تفهیم حقوق را انجام شده دانست. البته لزوم تفهیم شفاهی حقوق متهم به وی برای تضمین حقوق، نمی‌تواند به معنای عدم ضرورت تفهیم کتبی حقوق متهم به وی باشد. زیرا تفهیم کتبی حقوق علاوه بر این که امکان فکر کردن در مورد حقوق مورد تفهیم را برای متهم فراهم می‌سازد، به لحاظ در دسترس بودن اوراق ابلاغی امکان مراجعه مجدد به این‌گونه اوراق را برای وی ایجاد می‌نماید و می‌تواند عامل مناسبی برای مقابله با نسیان و فراموشی حقوق متهم باشد. به همین جهت ماده ۴ دستورالعمل اتحادیه اروپا در مورد متهمان محروم از آزادی مقرر نموده که باید بلافاصله برگه تفهیم حقوق به آنان ارائه شود. و به آنان فرصت داده شود تا آن را مطالعه نمایند و مجاز باشند تا زمانی که از آزادی محروم‌اند، این برگه را نزد خود نگه دارند.

در حقوق انگلستان، افسر پلیس باید به‌طور ویژه و به صورت واضحی، حقوق متهم را به وی بیان نماید. به علاوه یک پوستر که حق مشورت با وکیل را اعلام می‌کند باید به صورت آشکار در اداره پلیس نمایش داده شود. در ادارات پلیس شهرهای بزرگ مثل اداره پلیس لندن، ممکن است در همه وقت یک یا چند «وکیل موظف»^۱ حاضر باشند. حتی اگر فرد دستگیر شده حاضر به مشورت رایگان با «وکیل موظف» نباشد، «وکیل موظف» باید فرمی مشتمل بر حقوق متهم را در اختیار متهم قرار دهد. (پرویزی، ۱۳۹۱: ۸۶)

در حقوق ایران، ماده ۵۲ قانون جدید آ.د.ک در این خصوص اشعار می‌دارد که حقوق متهم باید به وی تفهیم شود و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار گیرد. برای تضمین بهتر

۱. وکیل موظف، در نظام حقوقی انگلستان مشاور حقوقی با شغل خصوصی است که با کمیسیون خدمات حقوقی قرارداد بسته تا در اداره پلیس حاضر باشد و یا آماده فراخوانی باشد.

حقوق متهمان می توان در ماده فوق الذکر اصلاحاتی را به عمل آورد به گونه ای که ضابطان دادگستری مکلف به تفهیم حقوق به وسیله زبان قابل فهم برای متهم باشند و از وی بپرسند که آیا حقوق مورد تفهیم به وی را فهمیده است یا خیر؟

۳. نظارت و ضمانت اجرا

تفهیم حقوق متهم در نظام‌های مختلف حقوقی دارای چنان جایگاه مهمی است که ساز و کارهای دقیقی برای نظارت بر اجرای این تکلیف قانونی از سوی مقامات رسمی پیش‌بینی شده است، تا در صورت نقض حقوق متهم از ضمانت اجرای متناسبی در این رابطه استفاده شود.

۱.۳. نظارت بر حسن اجرای تفهیم حقوق متهم

برای نظارت بر حسن اجرای تفهیم حقوق متهم در قانون جدید آ.د.ک ایران، می توان از نظارت سلسله مراتبی دادستان و مقامات قضایی بر ضابطان دادگستری استفاده نمود. ماده ۳۲، و مواد ۷۳، ۷۴، ۷۵ و ماده ۹۸ قانون جدید به ترتیب دربردارنده نظارت دادستان بر انجام وظایف ضابطان دادگستری، و نظارت بازپرس بر عملکرد آنان می‌باشند.

در راستای اعمال نظارت سلسله مراتبی نسبت به تفهیم حقوق متهم در پاراگراف پایانی ماده ۱-۶۳ قانون آ.د.ک. فرانسه پیش‌بینی شده است که، به استثنای اوضاع و احوال غیرمترقبه، باید حداکثر ظرف سه ساعت از زمانی که شخص تحت نظر قرار گرفت احتیاط‌های لازم از سوی مسئولان تحقیق در اطلاع دادن حقوق مذکور در مواد ۲-۶۳ (حق مطلع ساختن افراد خانواده) و ۳-۶۳ (حق معاینه پزشکی) به او به عمل آید. اما چنین محدودیت زمانی در قانون آ.د.ک. جدید ایران وجود ندارد.

افزون بر این برای اعمال نظارت بر تفهیم حقوق متهم، مقامات رسمی مکلف به اخذ رسید کتبی از متهم‌اند. در ماده ۵۲ قانون جدید ایران، مقرر شده است که پس از تفهیم حقوق متهم، به صورت کتبی باید از وی رسید دریافت و ضمیمه پرونده گردد. در ماده ۱-۶۳ قانون آ.د.ک. فرانسه پیش‌بینی شده است که، اعلام حقوق متهم به وی در صورتجلسه قید می‌شود و اوراق توسط شخص امضا می‌شود. در صورت امتناع از امضا این موضوع در صورتجلسه ذکر می‌شود.

برای اعمال نظارت بهتر، ماده ۱-۴-۶۳ قانون آ.د.ک. فرانسه مقرر داشته است که وکیل مدافع می‌تواند تفهیم حقوق متهم را مورد بررسی قرار دهد و از اوراق مربوطه یادداشت-

برداری نماید ولی وی حق گرفتن کپی ندارد. این امر نشان‌دهنده پذیرش جایگاه وکیل مدافع در راستای نظارت بر تفهیم حقوق متهم است. همچنین یکی از ابزارهای نظارتی، ضبط ویدئویی تحقیقات است. طبق ماده ۱-۶۴ قانون آ.د.ک. فرانسه بازجویی از اشخاص تحت نظر برای ارتکاب جنایت که در واحدهای پلیس قضایی نگاه‌داری می‌شوند، ضبط ویدئویی می‌شود. موارد ضبط شده می‌توانند بنابه درخواست متهم مورد بررسی قرار گیرند تا از این طریق از تخلف در مورد تفهیم حقوق متهم جلوگیری به عمل آید.^۱

۲.۳. ضمانت اجرای نقض تفهیم حقوق متهمان

ضمانت اجرای موارد نقض تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری را می‌توان در سه قسمت و به ترتیب تحت عناوین بی‌اعتباری دلیل و یا تحقیقات، مجازات کیفری، و مسئولیت مدنی ناشی از ایراد خسارت به متهم مورد بررسی قرار داد.

۱.۲.۳. بی‌اعتباری دلیل و یا تحقیقات

در برخی از نظام‌های حقوقی و از جمله در نظام حقوقی آمریکا، در چنین مواردی از ضمانت اجرای بی‌اعتباری دلیل یا ادله به دست آمده از عدم تفهیم هر یک از حقوق متهم استفاده می‌شود. در این نظام حقوقی از قاعده «رد ادله غیرقانونی»^۲ استفاده می‌شود و به موجب این قاعده، امکان استناد به ادله به دست آمده از روش‌های غیرقانونی ممنوع می‌گردد. (نیوبور، ۱۳۸۹: ۴۶۰) بدین ترتیب، در صورتی که پلیس، حقوق متهم را مطابق «قاعده میراندا»^۳ به وی تفهیم ننماید، دادستان نمی‌تواند اظهارات به دست آمده از متهم را به عنوان دلیل مورد استناد قرار دهد. (Ruchmann, 2007: 18) و به‌طور کلی اظهاراتی که با نقض «قواعد میراندا» به دست آمده باشد نمی‌تواند در زمره ادله مورد قبول قرار گیرد. (Samaha, 2012: 273) و در صورت استناد به آنها، مراجع تجدیدنظر و به خصوص دیوان عالی این کشور حکم به نقض آرائی صادر می‌نماید که صرفاً مبتنی بر ادله‌ای است که با نقض تفهیم حقوق متهم به دست آمده باشند.

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

Code de procédure pénale, Version consolidée du code au 4 janvier 2014
<http://www.legifrance.gouv.fr/>

2. Exclusionary Rule

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در نظام حقوقی این کشور، حکم به بی‌اعتباری تمامی تحقیقات داده نمی‌شود بلکه دلیلی که از طریق نقض تفهیم حقوق متهم به دست آمده باشد، بی‌اعتبار تلقی می‌شود. بنابراین اگر حق مشاوره با وکیل نقض شود طبق رأی دیوان عالی فدرال در پرونده «اسکوبدو»^۱ به سال ۱۹۶۴، اقرار به دست آمده به عنوان دلیل اصلی پرونده، رد و ابطال می‌گردد. همچنین در این نظام حقوقی، در صورتی که حقوق متهم به وی تفهیم نشده باشد اما از اظهارات متهمی که حق سکوت به وی تفهیم نشده است، ادله فیزیکی نظیر سلاح گرم کشف شود، براساس رأی ایلینویز به طرفیت پاتانه به سال ۲۰۰۴ می‌توان از ادله فیزیکی به دست آمده در پرونده استفاده نمود. (نیوبور، ۱۳۸۹: ۴۶۲)

در نظام حقوقی فرانسه طبق ماده ۱۷۴ ق.آ.د.ک. «شعبه تحقیق»^۲ تصمیم می‌گیرد که آیا بطلان باید به تمامی یا قسمتی از اعمال یا اسناد تسری یابد یا خیر؟ شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه بر این عقیده است که فقط در صورتی باید اعمال دادرسی را (منظور کلیه اعمالی است که در راستای دستیابی به ادله توسط بازپرس یا در جریان تحقیقات توسط پلیس انجام شده است) باطل نمود که: این اعمال، ریشه و بقای خود را بر مبنای اعمال باطل شده قرار داده باشند. (تدین، ۱۳۸۸: ۲۴۱)

در حقوق فرانسه طبق مواد ۱۷۱ و ۸۰۲ ق.آ.د.ک. باید «لطمه به منافع اصحاب دعوایی که تشریفات راجع به آنها» بوده است به اثبات برسد. (تدین، همان: ۲۴۴) بنابراین در حقوق فرانسه عدم رعایت برخی از تشریفات دادرسی ممکن است موجب بطلان یک یا چند عمل دادرسی یا سند دادرسی شود و این امر لزوماً به تمامی تحقیقات تسری پیدا نمی‌کند.

در نظام حقوقی ایران باید گفت: اولاً، ضمانت اجرای بی‌اعتباری دلیل یا تحقیقات به طور مشخص برای عدم رعایت تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان پیش بینی نشده است. ثانیاً، در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ قانون جدید آ.د.ک. به ضمانت اجرای بی‌اعتباری تحقیقات - و نه بی‌اعتباری ادله به دست آمده - در صورت عدم تفهیم حق داشتن وکیل - و نه سایر حقوق متهم - از سوی بازپرس - و نه ضابطان دادگستری - اشاره شده بود، که ناخوشبختانه به موجب ماده ۱۴ قانون اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ این ضمانت اجرا ملغی شد و به جای آن مجازات انتظامی درجه ۳ برای مقام قضایی متخلف پیش بینی شد. ثالثاً، طبق تبصره ماده ۴۵۵ همین قانون، عدم رعایت

1. Escobedo v. Illinois 1964

۲. طبق ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ک. فرانسه هر دادگاه تجدیدنظر، حداقل یک شعبه تحقیق دارد. این مرجع از یک رئیس شعبه که منحصراً مربوط به این واحد است و دو مستشار که می‌توانند در صورت نیاز، دیگر واحد شعب دادگاه را تأمین کنند، تشکیل می‌شود.

تشریفات دادرسی - که می تواند شامل عدم تفهیم حقوق متهمان بشود - در صورتی می - تواند موجب بی اعتباری رأی شود که تشریفات مذکور به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رأی شود!! هر چند متن تبصره مذکور دچار ابهام است اما این تبصره سعی دارد به «بطلان ذاتی» در آیین دادرسی کیفری اشاره نماید.

توضیح این که در آیین دادرسی کیفری، دو نوع بطلان وجود دارد. بطلان قانونی و بطلان ذاتی، تبصره ۱ سابق ماده ۱۹۰ قانون جدید آیین دادرسی کیفری ایران نمونه ای برای بطلان قانونی بود. چرا که این بطلان به طور صریح در یکی از مواد قانونی پیش بینی شده بود. اما منظور از بطلان ذاتی بطلانی است که در ماده قانونی مشخصی پیش بینی نشده است ولی به علت نقض مقررات اساسی و جوهری - مثل حقوق دفاعی متهم - که تشخیص آن با قاضی است می تواند مورد حکم قرار گیرد (زراعت، ۱۳۹۰: ۴۱). بنابراین در صورتی که طبق تبصره ماده ۴۵۵ قانون مذکور دادگاه تجدیدنظر استان نقض مقررات اساسی و جوهری به علت عدم تفهیم سایر حقوق متهم را احراز نماید می تواند حکم به نقض و بی اعتباری رأی دهد.

در نهایت این که با توجه به شرایط کنونی قوانین شکلی در نظام حقوقی ایران، بهترین راه حل در این باره این است که مقام های محترم قضایی در صورتی که با نقض حقوق متهمان در این خصوص روبه رو شدند با استناد به ماده ۳۶ قانون جدید آ. د. ک ایران و به این علت که گزارش ضابطان دادگستری بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم نشده است، گزارش های آنان را فاقد اعتبار دانسته و مبنای تصمیمات قضایی قرار ندهند.

۲.۲.۳. ضمانت اجرای کیفری

بر اساس ماده ۶۳ قانون جدید آ. د. ک ایران، عدم تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری، جرم محسوب می شود و آن دسته از ضابطان دادگستری که وظایف قانونی مقرر در ماده ۵۲ این قانون در خصوص تفهیم حقوق متهمان را انجام ندهند، به مجازات کیفری سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می شوند. (خالقی، ۱۳۹۴، ۸۷) ناخوشبختانه در ماده فوق الذکر برای آن دسته از ضابطان دادگستری که عدم تفهیم حقوق متهمان از سوی آنان همراه با سو نیت و قصد اضرار بوده مجازات شدیدتری در نظر گرفته نشده است. همچنین می توان برای رفتاری که عملاً موجب ایراد ضرر شده و رفتاری که ضرری را برای متهم در پی نداشته است، مجازات های قانونی متفاوتی را در نظر گرفت.

۳.۲.۲. مسئولیت مدنی

طبق ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی (مصوب ۱۳۳۹) هر کس عمداً یا در اثر بی احتیاطی موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. در صورتی که در نتیجه عدم تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری، ضرری - به ویژه ضرر معنوی که طبق تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون جدید آ.د.ک قابل ارزیابی و مطالبه است - متوجه متهم گردد، خسارات وارده از مقام مربوطه قابل مطالبه است.

نتیجه‌گیری

اصولاً تدابیر قانونی مربوط به حقوق دفاعی متهم و دادرسی عادلانه و از جمله تدابیر مربوط به تفهیم حقوق متهم زمانی می‌توانند به اهداف خود نائل شوند و تدابیری سودمند تلقی گردند که دارای انسجام بوده و از هرگونه ناهماهنگی و تعارض به دور باشند. برای نمونه در برخی از نظام‌های حقوقی، تدابیر منسجم و هماهنگی برای حفظ حقوق دفاعی متهم از طریق تفهیم حقوق متهم به وی پیش‌بینی شده است: ۱- تفهیم حقوق متهم - و به ویژه حق سکوت - «باید قبل از» بازجویی صورت گیرد، ۲- در صورتی که متهم تقاضای مشورت با وکیل نماید تا زمان حضور وکیل، بازجویی باید متوقف شود، ۳- برای تمامی متهمانی که امکان اختیار وکیل ندارند وکیل معاضدتی تعیین می‌شود و این حق نیز به آنان تفهیم می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تدابیر فوق‌الذکر به لحاظ انسجام، به گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که همچون سپر دفاعی مستحکمی از حقوق دفاعی متهم محافظت می‌نمایند. یعنی امکان اخذ اقرارها و اظهارهای ناشی از جهل متهم به قانون و یا ناشی از فشارهای روحی و یا فیزیکی از سوی متهم را کاهش می‌دهند.

اما تدابیر پیش‌بینی شده در قانون جدید آ.د.ک. ایران در جهت حمایت از حقوق دفاعی متهم از طریق تفهیم حقوق وی توسط ضابطان دادگستری دارای انسجام و هماهنگی کامل نبوده و به علل زیر نمی‌توانند سودمند تلقی شوند. نخست این‌که، طبق ماده ۵۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری فقط باید حقوق افراد تحت نظر را به آنان تفهیم نمایند و نه تمامی متهمان را. دوم این‌که، حق بنیادین سکوت در تحقیقات پلیسی وجود ندارد و در هیچ ماده‌ای به‌طور مشخص مقرر نگردیده است که این حق در تحقیقات مقدماتی به متهم تفهیم شود. سوم این‌که، در ماده ۵۲ قانون جدید، اشاره‌ای به لزوم تفهیم حقوق متهم «قبل از» بازجویی نشده است. چهارم این‌که، طبق ماده ۴۸ همین قانون، بازجویی از متهم منوط به حضور وکیل نشده است. پنجم این‌که، ضمانت‌اجراهای کاملی برای نقض این حق متهمان از سوی ضابطان دادگستری پیش‌بینی نشده است. به خوبی

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
۲. آشوری، محمد، و سپهری، روح الله (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مرحله تحت نظر در آیین دادرسی کیفری ایران و فرانسه»، **آموزه‌های حقوق کیفری**، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ششم، صص ۳۱-۳.
۳. امیدی، جلیل (۱۳۸۸)، «دکتر آشوری و حقوق دفاعی متهم»، **علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری**، انتشارات سمت، چاپ دوم، صص ۲۴۲-۲۲۴.
۴. انصاری، باقر (۱۳۸۶)، «مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات»، **نامه مفید**، شماره شصت و یکم، صص ۱۵۸-۱۳۷.
۵. انصاری، ولی الله (۱۳۸۰)، **حقوق تحقیقات جنایی**، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۶. پرویزی فرد، آیت الله (۱۳۹۱)، «دستگیری متهم بدون دستور قضایی، مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس»، **فصلنامه حقوق دانشگاه تهران**، دوره ۴۲ شماره دوم، صص ۹۱-۷۵.
۷. تدین، عباس (۱۳۸۸)، **تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۸. خالقی، علی (۱۳۹۴)، **نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۹. رحمدل، منصور (۱۳۸۸)، «دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران»، **تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)** زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، نشر میزان، صص ۳۲۹-۳۱۱.
۱۰. رضایی‌زاده، محمد جواد و احمدی، یحیی (۱۳۸۸)، «مبانی حق دسترسی شهروندان به اسناد و اطلاعات دولتی»، **فصلنامه حقوق دانشگاه تهران**، دوره ۳۹، شماره ۴، صص ۲۳۲-۲۱۳.
۱۱. زراعت، عباس (۱۳۹۰)، **بطلان در آیین دادرسی کیفری**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۲. ساریخانی، عادل و اکرمی سراب، روح الله (۱۳۹۱)، «مبانی فقهی حق بر اطلاعات»، **مجله حکومت اسلامی سال هفدهم شماره سوم**، صص ۶۰-۳۷.

۱۳. ساقیان، محمد مهدی (۱۳۸۵)، «اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۶-۵۷ پاییز و زمستان، صص ۷۹-۱۱۰.
۱۴. طه، فریده و اشرفی، لیلا، (۱۳۸۶)، *دادرسی عادلانه*، چاپ اول، تهران: نشر میزان
۱۵. کرامت، قاسم و حبیب‌زاده، محمد جعفر (۱۳۹۱)، «الزامات نظام قضایی در زمینه حقوق و آزادی‌های متهمان در مرحله دادرسی»، *فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (ع) سال اول*، شماره سوم، صص ۸۹-۱۲۲.
۱۶. نمک دوست تهرانی، حسن، (۱۳۸۹)، «آزادی اطلاعات و حق دسترسی: بنیان دموکراسی»، *مجلس و پژوهش*، سال دهم، شماره چهل و دوم، صص ۶۳-۱۰۷.
۱۷. نیازپور، امیر حسن (۱۳۹۰)، «وکیل در قلمروی عدالت کیفری، بنیان‌ها و کارکردها»، *مجله پژوهش‌نامه حقوقی*، سال دوم، شماره اول، صص ۱۲۷-۱۴۲.
۱۸. نیوبور، دیوید دبلیو (۱۳۸۹)، *نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا*، مترجم حمید رضا قراگزلو، چاپ اول، تهران: نشر مجد.

ب. خارجی:

1. Code de procédure pénale, Version consolidée du code au 4 janvier 2014 <http://www.legifrance.gouv.fr/>
2. Directive 2012/13/eu of the European Parliament and of the Council of 22 may 2012 on the right to information in criminal procedures, **Official Journal of the European Union**, L 142/1-9
3. Ferdico, John, Feradella, Henry, Totten, Christopher (2009), **Criminal Procedure for the Criminal Procedure Professional**, Wadsworth
4. Ruschmann, Paul (2007), **Miranda Rights**, Infobase Publishing
5. Samaha, Joel (2012), **Criminal Procedure**, Wadsworth
6. Scheb, John, Scheb, John (2011), **Criminal Law and Procedure**, Wadsworth